روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

پنجشنبه ۷ بهمن ۱۳۹۵ ■ ۲۷ ربیع‌الثانی ۱۴۳۸ ■ ۲۶ ژانویه ۲۰۱۷ ■ سال نهم ■ شماره ۲۰۸۴ ■ ۱۶ صفحه ■ ۱۰۰۰ تومان

■ ۱۱۷۸ سال و ۴۹ روز گذشت

VATAN-E-EMROOZ ■ VoL.09 ■ No.2084 ■ Thu.Jan.26, 2017 ■ ISSN:2008-2886

دبیر انجمن داروسازان ایران در نشست خبری:

احتمالا از اسفند فقط با پول نقد نسخه پیچیده می‌شود!

صفحه ۴

تشییع پیکر آتش‌نشانان به تعویق افتاد

خروج پیکر ۸ آتش‌نشان دیگر از زیر آوار پلاسکو

صفحه ۴

صدور رأی محرومیت استفاده از بازیکن جدید توسط فیفا آبی‌های پایتخت را بهت‌زده کرده است

تحریم چگونه به استقلال رسید؟

مدیرعامل استقلال: تحریم بانکی موجب تأخیر در پرداخت طلب بازیکن شاکی شد

صفحه ۱۴

عکس: امیرحسین خبرخواه، میزان

نگاه امروز

کار فردوسی‌پور درست است!

■ محمد زعیم‌زاده ■

برخلاف یادداشت قبلی که در همین جریده درباره برنامه ۹۰ و عادل فردوسی‌پور نوشتم این بار اصلا روی صحبت با جناب عادل و عوامل برنامه‌اش نیست. فردوسی‌پور یک استعداد متوسط به بالا در حوزه رسانه است که مشی و مرام خود را دارد، هدفش را از برنامه‌سازی می‌داند و از قبل فشل بودن و بی‌برنامه بودن مدیران فرهنگی و رسانه‌ای ما در یک پروسه ۱۵ ساله ستاره شده است، کارش را هم به مدد آموزش حین کار با امکانات رسانه ملی در این ۱۵ سال خوب یادگرفته، فضای معرفت‌شناسی و سیاسی خاص خود را هم دارد و بخوبی با ربط و بی‌ربط آنها را فوتبال‌مالی کرده و در برنامه اعمال می‌کند و به خورد مخاطب می‌دهد و البته به مدد حمایت مدیران هم‌ولایتی در این سال‌ها حاشیه امن خوبی هم برای خود ساخته است.

فردوسی‌پور مدتی است حتی به خود زحمت نمی‌دهد خیلی این علایق و سلایق سیاسی- اجتماعی را هم زورق‌پیچ کند و در لفافه بگوید؛ در برنامه ورزشی به مناسبت شب یلدا با اذن خودش با وزیر خارجه مصاحبه می‌کند، شب یلدای بعد سراغ برنده کن می‌رود، از یک جایی به بعد حتی میخش را اینقدر محکم به زمین بایر مدیریت فشل فرهنگی ما کوبیده که نگران ژست و استقلال و تخصصی بودن و این حرف‌ها هم نیست و به هر کجا که اراده می‌کند سرک می‌کشد و حرف خودش را می‌زند، حتی در ۲ مساله در سطح ملی هم ابایی ندارد اهداف سیاسی جریانش را پیگیری کند؛ زمانی که حادثه تلخ قطار تبریز- مشهد اتفاق می‌افتد، صرفاً به مدت ۴۰ ثانیه روی آنتن ابراز تسلیت می‌کند و پس از آن روال عادی برنامه را پی می‌گیرد اما درباره حادثه ناگوار پلاسکو آن هم در هفته‌ای که باید ۱۶ بازی لیگ برتر را بررسی کند، ۴۵ دقیقه درباره پلاسکو حرف می‌زند و برای همه مدیران در همه سطوح تعیین تکلیف می‌کند!

در بحث فساد در فوتبال به نماینده مجلسی که حسب وظیفه‌اش کار تخصصی درباره فساد انجام داده به دلیل عدم همگرایی سیاسی تریبون نمی‌دهد ولی به رفقای گرمابه و گلستان خود اجازه می‌دهد درباره فساد رطب و یابس را به هم ببافند. در برنامه ۹۰ هیچ خبری از پاداش‌های بلوکه فدراسیون فوتبال که سال‌هاست به دلیل تحریم‌ها وصول نمی‌شود نیست اما تا دلتان بخواهد مرجعیت‌دهی به فیفا و هرچه که هست تبلیغ می‌شود و تلخی طنزش آنجاست که وقتی گند رسوایی فساد در فیفا بالا می‌آید، دریغ از یک اشاره مجری همه‌چیز گوی برنامه فوتبالی ما.

البته عرض کردم این وسط ایرادی به فردوسی‌پور وارد نیست به نظرم حتی باید جایزه هم بگیرد-که البته می‌گیرد!-او کارش را خوب بلد است، خیلی خوب، یعنی اگر کسی چنین موقعیتی برایش فراهم شود و از آن استفاده نکند شایسته ملامت است.

عادل فردوسی‌پور و نودش حاصل یک سوءاستفاده حرفه‌ای از انفعال و سطحی بودن جمعی از مدیران فرهنگی همین مملکت است، مدیرانی که برای امثال ثریا که حرف جدی و تخصصی انقلابی می‌زند و قصد دارد باری از دوش مملکت بردارد زن‌بابا هم نیستند اما برای امثال نود که حرف و نقلش هفته‌ها چهره هفته پارازیت صدای آمریکا می‌شود، مادری عطوف، مهربان و خطاپوش با آغوشی گشاده هستند.

مدیرانی که از فرط سطحی بودن بزرگ‌ترین افتخارات‌شان عکس گرفتن با فلان سلبریتی و بهمان کارگردان و بازنشر است، مدیرانی که احساس می‌کنند سلبریتی‌هایی را که به دست خود ساخته‌اند و رستم‌شان کرده‌اند و حالا از آنها واهمه دارند مدیریت می‌کنند اما واقعیت این است که خیلی شیک از طرف آنها مدیریت می‌شوند.

مدیرانی که از یک طرف با تنگ‌نظری و محافظه‌کاری و ساختن خطوط قرمز واهی و ناشیانه اجازه نمی‌دهند حوزه‌های مورد آسیب کارآمدی توسط بچه‌های انقلابی به شکل تخصصی و جدی نقد شود و از طرف دیگر با وادادگی برابر جریان خشن به اصطلاح روشنفکری کفش جفت می‌کنند و کاملا منفعل هستند. مدیرانی که دستگاه‌های عریض و طویل فرهنگی را به اندازه قد و قواره خود خفیف کرده‌اند و دارند با تانک چیفتن مسافرکشی می‌کنند.

روزنه

آرایش حمله سایبری

■ محمود جهانگرد ■

ایرانی‌ها در وضعیت عجیب و بی‌نظیری از منظر «زندگی در فضای مجازی» قرار گرفته‌اند. در طول هر ۲۴ ساعت شبانه‌روز ملت ایران با انواع تکنیک‌ها و پروژه‌های عملیات روانی در حوزه‌های مختلف سیاست، اقتصاد و فرهنگ دست و پنجه نرم می‌کنند و صداوسیما و رسانه‌های رسمی نیز اگر خیلی هنر کنند، بخشی از این هجوم برنامه‌ریزی‌شده را خنثی خواهند کرد. فردا روز که آفتاب برآید بازی از نو آغاز خواهد شد و مسؤولان و به تبع آن افکار عمومی همواره از طراحی دشمن چند قدم عقب‌ترند.

حتی قوی‌ترین جوامع متشکل از اقوام متحد و ثروتمندترین حاکمیت‌ها نیز در برابر سیل شایعات و پرونده‌سازی‌ها ایمن نیستند. همانطور که اکنون دولت آمریکا برابر شایعه نه چندان مستند «دستکاری سایبری انتخابات ایالات متحده» توسط هکرهایی از روسیه، تخریب شده و درهم شکسته به تماشای ادامه بازی مشغول است. روسیه ولادیمیر پوتین نیز برابر ترور سایبری انتخابات کشورش در فضای شبکه‌های ارتباطی آنلاین، با «تهمت تقلب» نتوانست کاری از پیش ببرد و مسؤولیت هجمه سنگین به اعتبار دموکراسی در کشورش را متوجه «هیلاری کلینتون» وزیر وقت خارجه آمریکا کرد که عملیات روانی علیه دولت و ملت روسیه را به فضای حساس و آسیب‌پذیر «داخلی» کشانده بود.

■ **مرزهای بی‌دفاع**

جهان در حال تغییر است و به همان نسبت که «زندگی دوم» در فضای مجازی رشد می‌کند، قوانین نیز متناسب با امکانات و محدودیت‌های جدید به روزرسانی شده و هماهنگ با زندگی نو می‌شود اما وای به حال ملتی که سهل‌انگاری مسؤولان یا حرکت خزنده نفوذی‌ها در بطن نظاماتش به عقب‌ماندگی قوانین منجر شود! سایبر را جهان «بدون مرز» و در تحلیلی پیشرفته‌تر «مرزستیز» می‌نامند. پس قوی‌ترین سامانه‌های پدافندی مستقر در مرزهای حقیقی نیز در برابر این نفوذ فناورانه «ناکارآمد» می‌شوند. نتیجه بدیهی است؛ امنیت روانی و فیزیکی آحاد چنین ملتی هر روز در دنیای جدید توسط گنگسترها و باندهای آموزش دیده، پولدار و حرفه‌ای؛ نقض می‌شود و دولت‌ها و مسؤولان امر نیز برابر چنین فاجعه‌ای بدون قوانین کارگشا، همانند مواجهه با فاز نخست بلایای طبیعی، حوادث بزرگ یا تجاوز فراملی مثل حمله تروریست‌ها در بهت فرومی‌روند. پس از بهت‌زدگی اما نوبت به «مدیریت بحران» می‌رسد!

■ **کجا ایستاده‌ایم؟**

آیا برابر حمله پرحجم دشمن تسلیم شده‌ایم و با واقعیت تلخ زندگی زیرسایه «استعمار سایبری» به واسطه ناامیدی از مدیران وزارت ارتباطات و تجربه شکست‌خورده شورایعالی فضای مجازی کنار آمده‌ایم؟ آیا قرار است بازی در زمین «امنیت ملی» را نیز بدون هزینه واگذار کنیم؟ بدون وجود تسلط مردمی امیدها برای بازپس گرفتن سرزمین‌های از دست رفته سایبری با تغییر دولت‌ها و تعویض مدیران عقب‌مانده، از دست می‌رود. دقیقا به همین دلیل است که دشمن در فضای سایبر انسجام ملی، وحدت کلمه و روابط مردم و نظام را هدف گرفته است. اگر «زمین طرح مسائل مهم» در حوزه ترمیم ساختار و نظامات سیاسی و قضایی و فرهنگی و اجتماعی در اختیار بیگانه باشد، هر تلاشی برای بهبود شرایط زندگی جمعی به تشویش شدید اذهان عمومی، بروز بحران ناامیدی در سطح جامعه و احیانا دلزدگی و نفرت عمومی منجر می‌شود.

■ **سنگر سایبری دشمن**

معمایی در پرونده حمله به مؤلفه‌های «امنیت ملی» در فضای سایبر نیست که حل نشده باقی مانده باشد. وزیر ارتباطات نمی‌تواند به روند حمایت عملیاتی از پروژه‌های نفوذ در کشور ادامه دهد و با احاله موضوع به گردن این و آن، از مسؤولیت شانه خالی کند.

■ **بی‌دفاع!**

جمهوری اسلامی ایران یا باید معتقد به قواعد و اصول دموکراسی باشد و از قلعه افکار عمومی برابر هجمه‌ها و حملات سایبری دفاع کند یا در انتظار سوت پایان «سقوط حوزه امنیت ملی» با ارائه اخطارهای بی‌اثر به «محمود واعظی» روزگار بگذراند. جامعه اکنون نیازمند حمایت حاکمیت از امنیت روانی مردم خسته از اخبار جعلی است. اگر نیاز است اتاق فکر «تهرانی» کانون توطئه در لندن و واشنگتن و تورنتو که تقریبا همه مطلعان کشور با اعضای آن از نزدیک آشنا هستند، ضربه شود، پیش از وقوع فتنه‌های جدید زمان آن است. لطفا از ملت دفاع کنید! مطابق ماده ۳۵ منشور حقوق شهروندی «امنیت سایبری و فناوری‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی» حق ملت است! مردم از بازی‌های کثیف پادوهای بیگانه در فضای مجازی خسته‌اند.

یادداشت امروز

چه خوب که «سرهنگ» نیستی!

■ حسین قدیانی ■

«مثل زمان جنگ» عبارتی است که این روزها، ناظر بر جانفشانی آتش‌نشانان فداکار، نیز همدلی سراسری مردم با این عزیزان، زیاد می‌شنویم! اگر آتش‌نشانی به نام «علی»، آنقدر دفاع از «مال مردم» برایش موضوعیت دارد که حاضر است در راه حفظ اموال ملت، دست از جان شیرین بشوید؛ آن‌که این صحنه را می‌بیند یا این حکایت را می‌شنود، قبل از هر چیز می‌گوید «مثل زمان جنگ»! اگر بچه‌های مدرسه، با شاخه گلی در دست، به فلان ناحیه آتش‌نشانی می‌روند و به همکاران بی‌ادعای شهدای آتش‌نشان، «خدا قوت» می‌گویند؛ آن‌که این صحنه را می‌بیند یا این حکایت را می‌شنود، قبل از هر چیز می‌گوید «مثل زمان جنگ»! اگر جماعتی از مردم، صبح علی‌الطلوع، با شیر داغ و خرما، مختصر صبحانه‌ای بی‌ریا برای قهرمانان زخم‌خورده خود تهیه می‌کنند؛ آن‌که این صحنه را می‌بیند یا این حکایت را می‌شنود، قبل از هر چیز می‌گوید؛ «مثل زمان جنگ»!

شگفتا! دیروز در یکی از این چند روزنامه زنجیره‌ای که سابق بر این، به بهانه بیان مضرات جنگ، حتی از تخریب فرهنگ مقاومت هم هیچ ابایی نداشت، عینا همین عبارت «مثل زمان جنگ» را خواندم: «آنچه روزهای گذشته شاهد آن بودیم، «مثل زمان جنگ» تبلور اوج ایثار بود. اینکه خود را قربانی کنی، برای اینکه دیگران، شاید دقیقه‌ای بیشتر زنده بمانند یا اموال‌شان کمتر در معرض آسیب قرار بگیرد». اینک اما وقت این سوال اساسی است: «وقتی می‌گوییم «مثل زمان جنگ»، دقیقا داریم از چه زمانی سخن می‌گوییم؟!» واضح‌تر بپرسم: «وقتی می‌گوییم «مثل زمان جنگ»، مشخصا داریم از کدام جنگ حرف می‌زنیم؟!» تا به این سوال پاسخ دهیم، لاجرم باید سوال دیگری مطرح کنیم: «مگر جنگ، چیزی جز درد و دوری و زخم و بمباران هم دارد که همه با هر سلیقه و عقیده، خوب‌ترین کار را و خوب‌ترین حال را و خوب‌ترین احساس را به «جنگ» و «زمان جنگ» نسبت می‌دهیم؟!» عجبا که برای پاسخ به این سوال هم، هیچ جوابی بهتر از چنبره‌زدن در پرسشی دیگر نیست: «اگر صلح بر جنگ، شرافت ذاتی دارد، پس چرا معطوف بر رفتار فداکارانه و کردار جوانمردانه، از عبارت «مثل زمان صلح» استفاده نمی‌کنیم؟!» حال فرض کنید همین سوال را بخواهم از زنجیره‌ای‌ها بپرسم! آیا چاره‌ای هست جز بازترکردن روضه؟! سوالم را ببینید: «مگر این «جنگ» و «زمان جنگ»، همانی نبود که بارها و بارها با استفاده ابزاری از واژه «صلح»، بی‌رحمانه بر فرقش کوبیدید و حتی حیا نکردید «بچه‌های جنگ» را لااقل با «سربازان وحشی قوم آتیلا» قیاس نکنید؟!» با جنگ، «آفتاب از کدوم طرف دراومده، مهربون شدید» که خواسته یا شاید هم ناخواسته، بهترین عبارتی که در وصف ایثار به ذهن‌تان می‌رسد، همین «مثل زمان جنگ» است؟! هان ای جماعت ضدجنگ! مگر این همان جنگی نبود که به زعم شما، بعد از فتح خرمشهر، دیگر نباید ادامه پیدا می‌کرد؟! و مگر جز این است که عبارت «مثل زمان جنگ» اشاره دارد به روز اول جنگ تا روز آخر جنگ؟! مردم عادی یعنی همین مردم کوچه و بازار، اگر از عبارت «مثل زمان جنگ» استفاده می‌کنند، کاملا قابل فهم است، چرا که در عین آگاه بودن به مضرات جنگ و دست و پنجه نرم کردن با بدی‌های جنگ، هرگز «حرف‌های اضافه بر سازمان» نمی‌زنند، به مردان بی‌ادعا، تهمت «سربازان وحشی قوم آتیلا» نمی‌زنند و بعد از شهادت سردار هر دو جبهه خرمشهر و خان‌طومان، مثل شما ناجوانمردان، اینگونه دم نمی‌زنند که «سرتیپ حسین همدانی در سوریه کشته شد»! بنابراین شما باید این تناقض را حل کنید که عبارت «مثل زمان جنگ»، عاقبت برای‌تان تداعی‌گر «سربازان وحشی قوم آتیلا» است یا «ایثار و جان‌نثاری»؟!

القصه! تجلی آشکار عبارت «مثل زمان جنگ» همین فداییان معروف به «مدافعان حرم»اند! شیربچه‌های دلاوری که جنگ در بیرون مرزها را به جان می‌خرند تا قدوم نحس دشمن، اصلا و اساسا خاک مقدس وطن را آلوده نکند!

ادامه در صفحه ۵

www.vatanemrooz.ir

در شبکه‌های اجتماعی
@vatanemrooz

سلام وطن ۶۶۴۱۳۹۴۲

پیامک خوانندگان ۱۰۰۰۲۲۳۱